

کودکان استثنائی

مقدمه:

در میان کودکان استثنائی، یعنی افرادی که به لحاظ ویژگیهای خاص جسمانی، ذهنی، عاطفی و روانی در برخورداری مطلوب از تسهیلات و امکانات مختلف جامعه به ویژه آموزش و پرورش نیازمند توجه فوق العاده می باشند، کودکان و دانش آموزان عقب مانده ذهنی به واسطه همان پیچیدگی خاص پدیده هوش و عقب ماندگی هوشی جایگاه قابل توجهی دارند. علیرغم آنچه تاکنون بیش از ۲۰۰۰ علت برای، عقب ماندگی ذهنی عنوان شده، معهداً هنوز بسیاری از علل عقب ماندگیهای ذهنی ناشناخته مانده است. مطابق آمارهای مختلف بین المللی که مبتنی بر تحقیقات و مطالعات فراوان می باشد، حدود ۳٪ از کل کودکان و دانش آموزان سنین مدرسه رو (۶ تا ۱۷ سال یا ۷ تا ۱۸ سال) بطور قابل ملاحظه ای دچار عقب ماندگی ذهنی بوده و قادر به استفاده از برنامه های عادی آموزش و پرورش نمی باشند. لذا لزوم، شناخت هر چه سریعتر این قبیل کودکان و اتخاذ تدابیر و روشهای مختلف و مناسب برای تعلیم و تربیت آنها که تعدادشان در سنین مذکور در جامعه ما در حال حاضر براساس جمعیت کنونی حداقل ۳۰۰۰۰۰ نفر می باشند و آشنایی هر چه بیشتر با علل وقوع عقب ماندگی ذهنی و روشهای پیشگیری از آن، امری است کاملاً واجب و اجتناب ناپذیر از طرفی کمک به والدین این قبیل کودکان به منظور حل مشکلاتشان یکی از مهمترین خدماتی است که باید به والدین آنها ارائه گردد. چنین به نظر می آید که راهنمایی و هدایت والدین کودکان عقب مانده ذهنی از چنان اهمیتی برخوردار است که سازمانهای دست اندرکار مسائل عقب ماندگی ذهنی باید خدمات مشاوره ای را جزء لاینفک اصول خود دانسته و در دائر نمودن مراکز راهنمایی والدین کوچکترین تردیدی به خود راه ندهند، زیرا راهنمایی والدین کودکان عقب مانده را باید عامل مهمی در بهداشت روانی خانواده دانست.

همه والدین خواستار خوشبختی و رفاه و امنیت کودکانشان هستند. هیچ کس عمداً کودکش را ترسو، کمر، سهل انگار یا بی نزاکت بار نمی آورد. با این حال بسیاری از کودکان در مرحله رشدشان خصوصیات، نامطلوب کسب می کنند، و از داشتن احساس اطمینان و امنیت باز می مانند. والدین موظفند اول مشکلات خود را بشناسند، بعد از شناخت، روش رسیدن به هدفهای درست تربیتی را یادگیرند و بعد راههای از میان بردن مشکلات را بیاموزند. والدین باید بدانند مسئول تربیت و سازندگی فرزند خود هستند و ناتوانی فرزندشان از هر نوعی که باشد نمی تواند مانعی برای عدم پذیرش آنها باشد و در این راه نباید ناامید شده به دیده حقارت نسبت به آنها بنگرند. باید همراه با مدرسه و دیگر اولیاء تعلیم و تربیت حداکثر سعی خود را با بهره گیری از حداقل امکانات بنمایند. با در نظر گرفتن تمامی آنچه که تاکنون در باره عقب ماندگی ذهنی گفته شد باید اذعان نمود که برخورد با این دانش آموزان کنترل رفتار و آموزش و پرورش آنها کاری است بس ظریف و نیاز به دانش و توان فوق العاده برای برقراری رابطه مفید و مؤثر با آنها دارد. ایجاد زمینه و آمادگی لازم برای یادگیری، تدوین برنامه آموزشی متناسب با محدودیتهای ذهنی و ویژگیهای فردی، ایجاد بهترین و مؤثرترین شیوه های آموزشی در سطوح مختلف و هدایت دانش آموزان عقب مانده ذهنی به سوی کفایت شغلی و شخصیتی و سازگاری اجتماعی، نیاز به معلمان و مربیان برجسته ای دارد، که صبر و شکیبایی، گذشت و فداکاری و محبت و صمیمیت سرمایه کارشان بوده و در راه نیل به هدف مقدسشان از هیچ کوششی دریغ نداشته اند.

خصوصیات رفتاری و روان شناختی عقب ماندگان ذهنی :

اظهارات در مورد خصوصیات روان شناختی و رفتاری عقب ماندگان ذهنی براساس آن مطالعات پژوهشی استوار است که گروههای به لحاظ هوشی زیر میانگین را با کودکان غیرعقب مانده مقایسه کرده اند.

خصوصیات شناختی :

بارزترین خصوصیت عقب ماندگی، توانائی کاهش یافته برای یادگیری است. پژوهشها نشان داده اند که دانش آموزان عقب مانده حداقل در ۴ زمینه مربوط به شناخت دچار مشکل هستند: توجه / حافظه / زبان و تحصیل

خصوصیات رفتاری :

افراد عقب مانده ذهنی در معرض گونه های مختلف مسائل اجتماعی و هیجانی قرار دارند. مفهوم از خود در افراد عقب مانده پایین تر از افراد غیر عقب مانده است (لی هی، بالاوزیگلر ۱۹۸۲)

علاوه بر صیانت ذات نازلتر، دانش آموزان عقب مانده در معرض ابتلاء به دیگر مشکلات رفتاری مثل بی توجهی و درهم گسیختگی قرار دارند. ادوارد زیگلر در رابطه با رفتار عقب مانده اشاره بیشتری داشته و عقیده دارد که این افراد انتظار بالایی برای شکست دارند. (کافمن /هالاها، کودکان استثنائی، ج ۱، م. فرهاد ماهی، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی مشهد، ۱۳۷۲، ص ۱۲۹)

طبقه بندی عقب ماندگی ذهنی براساس AAMD :

الف- عقب مانده ذهنی خفیف : شامل افرادی با هوشبهر بین ۶۸ و ۵۵ یا ۶۹ می باشد و منطبق با برجسب عقب مانده ذهنی تربیت پذیر در تعلیم و تربیت است. فرد قادر به یادگیری مطالب اساسی درسی می باشد.

ب - عقب مانده ذهنی معتدل : شامل افرادی با هوشبهر بین ۴۰ و ۵۵ است. انطباق با برجسب آموزش پذیر در تعلیم و تربیت دارد. قادر به یادگیری مهارتهای کنشی و شغلی هستند.

ج-عقب مانده ذهنی شدید: شامل افرادی با هوشبهر بین ۲۵ و ۴۰ است. تلاشهای تربیتی معمولاً بر مهارتهای خودیاری و ارتباطی متمرکز است. د-عقب مانده ذهنی عمیق : شامل افرادی با نمره هوشی زیر ۲۵ است و منطبق با عقب مانده نظارتی است (کافمن /هالاها، کودکان استثنائی جلد ۱، م: فرهاد ماهر، چاپ انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱)

اشاره ای کوتاه به علل عقب ماندگی ذهنی :

در رابطه با علل ، جدا نمودن عوامل مختلف این امر کار ساده ای نمی باشد. در واقع جدا نمودن عوامل متنوع ژنتیکی و محیطی و فرهنگی بطور کاملاً مشخص تقریباً غیرممکن است.

الف-عوامل مربوط به قبل از تولد :

۱. عوامل ارثی و ژنتیکی
۲. عامل همخوانی
۳. سیفلیس یا کوفت
۴. تأثیر الکل
۵. مواد مخدر و دخانیات
۶. داروهای شیمیایی
۷. سوء تغذیه و اختلالات غدد داخلی
۸. مسمومیت
۹. ضربه های وارده برشکم
۱۰. اشعه ایکس

ب - عوامل مربوط به هنگام تولد:

۱. تولد زودرس
۲. نوزادان زودرس
۳. زایمانهای طولانی
۴. ضربه های وارده بر مغز کودک به هنگام تولد

ج) عوامل مربوط به بعد از تولد:

۱. انواع مننژیت
۲. مسمومیت ها
۳. اختلالات غده داخلی کودک
۴. خستگی های جسمی و روانی و اختلالات عاطف

ضربه های وارده به مغز

عوامل محیطی - فرهنگی :

اکثر عقب مانده های ذهنی از طبقات اجتماعی، اقتصادی پایین جامعه هستند. معمولاً این افراد در شرایط نامساعد فرهنگی - بهداشتی زندگی می کنند و از نعمت سواد و یادگیری تحصیلی محرومند. نسبت افراد عقب مانده به کل جمعیت در حدود ۳٪ می باشد. تحقیقی که اسپیر بر روی ۶۸ کودک تحت سرپرستی و قیومیت انجمن حمایت کودکان انجام داده است نشان داد که همه مادران این اطفال از لحاظ هوشی دارای هوشبهر متوسط ۴۹ بوده اند و پدران آنان نیز افرادی معتاد و بیکار و یا عهده دار کارهای ساده بوده اند. (افروز غلامعلی، کودکان عقب مانده ذهنی، انتشارات دانشگاه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۵۵)

هدفها و برنامه های آموزشی و پرورشی کودکان عقب مانده ذهنی:

کودکان عقب مانده ذهنی اولاً یک کودک است و بعد هم کودکی است با عقب ماندگی ذهنی، در واقع اهداف آموزشی و پرورشی کودکان عقب مانده، ذهنی نمی تواند تفاوتی با هدفهای کلی آموزش و پرورش عادی داشته باشد: زیرا که هدف عبارت است از شکوفائی حداکثر توانائی و استعدادها، تزکیه و تعلیم و تربیت و در نهایت از دیدگاه اسلام به فلاح رسیدن. لذا تنها تفاوتی که اهداف تربیتی کودکان عقب مانده ذهنی با اهداف عمومی تعلیم و تربیت دارد در مورد اهمیت فوق العاده حصول این اهداف در رابطه با کودکان عقب مانده ذهنی است که اهم این اهداف عبارتند از :

۱. رسیدن به خود آگاهی و شناخت خود
۲. سازگاری اجتماعی و برقرار نمودن روابط مفید و مؤثر با دیگران
۳. رسیدن به شایستگی شغلی و کفایت اقتصادی
۴. پذیرش مسئولیت اجتماعی (افروز غلامعلی، کودکان عقب مانده ذهنی، ص ۸۷)

در این مقاله سعی شده است که نکات مهمی درباره نسبت خویشاوندی، سابقه قبلی عقب ماندگی، درآمد خانواده، سن مادر، تحصیلات والدین و... همچنین مسائل مربوط به عوامل ژنتیکی که در ایجاد عقب ماندگی ذهنی دخالت دارند مورد بحث قرار بگیرد. در ابتدا تعاریف عملیاتی مختصری از این متغیرها که در بالا ذکر شد آورده می شود:

۱- منظور از عقب ماندگی ذهنی طبق تعریف گروس من (AAMD) تخصصی ترین سازمان در زمینه عقب ماندگی های ذهنی این است: «عقب ماندگی ذهنی سطحی از عملکرد هوش عمومی است که میزان آن به مقدار زیاد از حد متوسط کمتر بوده، بطوری که منجر به نقایصی در رفتار سازشی فرد گردیده و در جریان رشد خود را نشان دهد.» (کافمن، هالاهان، کودکان استثنائی، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲)

- عقب ماندگی ذهنی به وضعیت خاص ذهنی اطلاق می شود. این وضعیت به دلایل مختلف بر فرد عارض می شود که نتیجه آن ایجاد مقفه یا اختلال در زمینه های مختلف رشد، در مقایسه با الگوهای طبیعی است. برخی آمارها حدود ۱۲٪ جمعیت هر جامعه ای را افراد استثنائی بر آورده می کنند که از این میان حدود ۳٪ شامل گروه عقب ماندگان ذهنی می شود. (افروز غلامعلی، مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲)

۲- ازدواج های خویشاوندی (فامیلی) عبارت است از ازدواج بین :

دخترخاله ، پسرخاله

دخترعمو، پسرعمو

پسرعمه، دختردائی

پسردائی، دخترعمه

۳- سابقه قبلی عقب ماندگی :

کسانی که در فامیل پدری دارای فرزند عقب مانده هستند.

کسانی که در فامیل مادری دارای فرزند عقب مانده هستند.

کسانی که هم در فامیل مادری و هم در فامیل پدری دارای فرزند عقب مانده هستند.

۴- منظور از کم درآمد عبارتند از :

افرادی که درآمدشان کفاف زندگی‌شان را نکند.

افرادی که درآمد آنها ماهیانه از صد هزار تومان کمتر باشد.

۵- تحصیلات بالا عبارتند از :

افرادی که دارای مدرک لیسانس باشند.

افرادی که دارای مدرک فوق لیسانس باشند.

افرادی که دارای مدرک دکترا هستند.

افرادی که دارای مدرک بالاتر از دکترا هستند.

- تحصیلات پائین عبارتند از : افراد بی سواد

افرادی که تا پنجم ابتدایی تحصیل کرده اند.

افرادی که تا سیکل تحصیل کرده اند.

۶- منظور از سن بالا برای تولد کودک عقب مانده بالاتر از ۳۵ سال می باشد که شامل:

مادرانی که در سن ۴۰-۳۶ هستند.

مادرانی که در سن ۴۵-۴۱ هستند.

مادرانی که در سن ۵۰-۴۵ هستند.

کمتر از ۳۵ سال : مادرانی که در سن ۲۰-۱۵ هستند.

مادرانی که در سن ۲۵-۲۱ هستند.

مادرانی که در سن ۳۰-۲۶ هستند.

مادرانی که در سن ۳۵-۳۱ هستند.

۷- منظور از زایمانهای پشت سرهم :

مادرانی که شیر به شیر حمله می شوند.

مادرانی که فرزندان آنها از ۲ سال کمتر فاصله سنی دارند.

مادرانی که فرزند آنها ۲ سال فاصله سنی دارند.
مادرانی که فرزندان آنها بیشتر از ۲ سال فاصله سنی دارند.

سابقه موضوع مقاله (کودکان استثنائی) :

الف) رینه اسپیتیز در بررسی های خود اهمیت رابطه کودک و مادر را از نظر رشد هوشی و جسمانی نشان می دهد. در این بررسی او کودکان مورد آزمایش را به دو دسته تقسیم کرد: آزمایش و گواه گروه آزمایش از مادرانشان جدا بودند ولی گروه گواه با مادرانشان بودند. این دو گروه از نظر تعذیه و بهداشت یکسان بودند و فقط از نظر رابطه عاطفی با مادر فرق داشتند. پس از مقایسه این دو دسته از نظر رشد هوشی، حافظه، بدنی، ادراک و سازگاریهای اجتماعی، اسپیتیز به این نتیجه رسید که رشد کودکانی که با مادرانشان بوده اند در همه زمینه ها به مراتب بیشتر از گروه کودکانی است که از مادر جدا بوده اند.

ب) منو بررسی خود را روی ۸۳۹ کودک مبتلا به اختلالات شخصیتی، ناسازگاریهای اجتماعی، دشواریهای خلق و خو انجام داد و نتیجه گرفت که تقریباً ۷۰-۶۵ درصد این کودکان از خانواده های از هم پاشیده و ۸۵٪ افرادی هستند که علاوه بر از هم پاشیدگی روابط عاطفی نامساعدی بین پدر و مادر وجود داشته و اکثر کودکان ضمن داشتن اختلالات شخصیتی، نارسائیهای هوشی نیز داشته اند.

ج) در تحقیقی که توسط سیوگرن در سال ۱۹۳۵ در سوئد به عمل آمد وی نتیجه گرفت که نقص ذهنی به عنوان صفت مشخصه «ژن» مطلوب ارثی می باشد. نامبرده در میان ۹۰ خانواده ۱۲۰ فرد دارای نقص ذهنی یافت. نقص ذهنی این افراد در پایین ترین دامنه تغییر هوشبهر یعنی از ۰ تا ۳۵ قرار داشته است. سوابق این خانواده ها تقریباً تا ۹ نسل گذشته آنها مورد تحقیق قرار گرفته است.

د) آمار پوروت نشان می دهد استعداد داشتن کودک مبتلا به نارسائی عقل یا کرولال در ازدواجهای همخون زیادتر است.

ه) اشکوداک در تحقیقی که بر روی ۱۵۴ کودک که همگی در سنین کمتر از ۶ ماه به فرزند خواندگی پذیرفته شده بودند انجام داد مشخص شد که ۱۴۰ نفر از این تعداد فرزند قانونی پدران خود نبوده اند. میانگین هوشبهری مادران این کودکان ۸۸ بوده است و به تجربه ثابت شده اکثر مادرانی که فرزندان بدون پدر به دنیا می آورند از لحاظ هوشبهری در حد پایین تری قرار دارند.

و) دکتر گرین فرنانلد در کالیفرنیا طی تحقیقی نشان داد که اکثر بچه های نامشروع مادران کندذهن دارند و با اطلاعات انجام شده پدران آنها اکثراً از شاغلین پایین جامعه (عمله، سپور، کارگر ساده و...) بوده اند. پس حدس زده می شود که هوشبهر پدران نیز پایین بوده است. تحقیقی که با عنوان بررسی رابطه میان چند متغیر خانوادگی مانند نسبت خویشاوندی، سابقه عقب ماندگی، درآمد خانواده، تحصیلات والدین و... با عقب ماندگی ذهنی دانش آموزان کودکان استثنائی در شهرستان جهرم در سال ۷۵ صورت گرفت در پی پاسخگویی به این سؤال بود که آیا بین این متغیرها و عقب ماندگی ذهنی کودکان رابطه وجود دارد یا خیر؟ که در این میان، پرسشنامه ای نیز در اختیار ۱۱۰ نفر از خانواده های این کودکان قرار داده شد که پس از بررسی پاسخهای داده شده و انجام عملیات آماری و درصد گیری به رابطه معنی دار بین این متغیرها و عقب ماندگی ذهنی پی برده شد و این نتایج حاصل گردید:

۱- با استناد جدول توزیع فراوانی برحسب نسبت خویشاوندی مشاهده شد که از مجموع ۱۱۰ خانواده مورد مطالعه، بیشترین فراوانی مربوط به خانواده هایی است که دارای نسبت خویشاوندی بوده اند که ۶۸٪ را شامل بود یعنی بین نسبت خویشاوندی و عقب ماندگی ذهنی رابطه معنی دار وجود داشته است.

۲- با استناد به جدول توزیع فراوانی برحسب وجود افراد عقب مانده دیگر در خانواده و در فامیل مشاهده شد که از مجموع ۱۱۰ خانواده مورد مطالعه، ۹۵ خانواده سابقه قبلی در خانواده نداشته و همچنین ۷۸ خانواده سابقه عقب ماندگی در فامیل ندارند یعنی بین سابقه قبلی و عقب ماندگی ذهنی کودک رابطه معنی دار وجود ندارد.

۳- با استناد به توزیع فراوانی برحسب تحصیلات مادر و پدر کودک عقب مانده، ما از ۱۱۰ خانواده مورد مطالعه، ۵۸ خانواده دارای مادران بی سواد بوده و از ۱۱۰ خانواده، ۴۸ خانواده دارای پدران با مدرک تحصیلی پایان دوره ابتدایی بوده اند که نشان می دهد بین تحصیلات والدین و عقب ماندگی کودکان رابطه معنی دار وجود دارد.

۴- با استناد به توزیع فراوانی برحسب درآمد خانواده، از ۱۱۰ خانواده مورد مطالعه، ۵۳ خانواده دارای درآمدی پایین تر از حد معمول بوده و ۴۰ خانواده درآمدی متوسط داشته اند، که این نشان می دهد بین درآمد خانواده و عقب ماندگی ذهنی کودک رابطه معینی وجود دارد.

۵- با استناد به توزیع فراوانی برحسب میانگین فاصله سنی کودکان مشاهده شد که اکثر کودکان عقب مانده در خانواده هایی بوده اند که فاصله سنی کودکان آنها کمتر از ۱ سال و ۱ سال بوده است. از ۱۱۰ خانواده مورد مطالعه حدود ۳۶ خانواده میانگین فاصله سنی کودکانشان کمتر از یکسال بوده و ۲۵ خانواده با فاصله ۱ سال می باشد. یعنی بین زایمانهای مکرر مادر و عقب ماندگی ذهنی کودک رابطه معنی دار وجود دارد. این تحقیق می تواند تا حدودی ما را با مسائل و مشکلات کودکان عقب مانده ذهنی که زیر مجموعه ای از کودکان استثنائی هستند آشنا کند. هم چنین امکان دست یابی به این اطلاعات موجب شناخت ویژگیهای خانوادگی این کودکان و تا حدودی عواملی که در بوجود آمدن کودکان عقب مانده دخیل هستند می شود و با برنامه ریزی صحیح از طرف مراکز استثنائی و تعلیم و تربیت و همکاری خانواده های عقب ماندگان ذهنی جهت رفع نابسامانیهای موجود گام مؤثرتری برداشت و با سرعت بیشتری به اهداف مورد نظر در برنامه کودکان عقب مانده رسید. بنابراین پیشنهاد می شود در زمینه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانهای مسئول نظیر وزارت آموزش و پرورش نهضت سواد آموزی، آموزش و پرورش استثنائی غیره با همکاری ارگانها و نهادها و وسایل ارتباط جمعی نظیر رادیو و تلویزیون،... والدین را نسبت به عواقب بی سوادی و فقر فرهنگی آگاه کنند. آنان را تشویق به سواد آموزی و کسب اطلاعات لازم نمایند. به خصوص نقش وسایل ارتباط جمعی سمعی و بصری نظیر تلویزیون در آگاه کردن خطرات ناشی از ادواجهای فامیلی یا مضرات و صدمات روانی و اجتماعی ناشی از داشتن تعداد زیاد فرزند در یک خانواده اهمیت بسزایی دارد.

چند توصیه به خانواده ها :

۱. به محض مشاهده حالات یا رفتارهای غیرطبیعی فرزند خود به پزشک، روان پزشک یا روانشناس مراجعه کنند.
۲. پس از آگاهی به عقب ماندگی ذهنی کودک نسبت به این موضوع برداشتی منطقی داشته باشند.
۳. هرگونه احساس شرم و گناه و تقصیر را از خود دور کنند.
۴. تمام فکر و حواس خود را به کودک عقب مانده معطوف نکرده و به دیگر فرزندان هم توجه داشته باشند.

جدول شماره ۱- توزیع فراوانی برحسب نسبت خویشاوندی

نسبت خویشاوندی	فراوانی	درصد
نسبت دارد	۷۵	۶۸
نسبت ندارد	۳۴	۳۱
نامعلوم	۱	۱
جمع	۱۱۰	۱۰۰

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود برحسب توزیع فراوانی از مجموع ۱۱۰ خانواده ای که مورد تحقیق قرار گرفته اند حدود ۷۵ خانواده از مجموع خانواده های عقب ماندگان دارای نسبت خویشاوندی بوده اند. ۳۴ خانواده دارای هیچ نسبت خویشاوندی نبوده اند. همچنین از مجموع ۱۰۰٪ خانواده های کودکان عقب مانده بیشترین درصد به میزان ۶۸٪ مربوط به خانواده های کودکان عقب مانده ای است که دارای نسبت خویشاوندی می باشند.

خانواده هایی که دارای نسبت خویشاوندی نبوده اند با ۳۱٪ در مرحله بعدی قرار دارند.

جدول شماره ۲- توزیع فراوانی بر حسب نوع نسبت خویشاوندی

نوع نسبت خویشاوندی	فراوانی	درصد
دختر خاله، پسر خاله	۲۵	۳۳
دختر عمو، پسر عمو	۱۷	۲۳
دختر دایی، پسر عمه	۲۰	۲۷
دختر عمه، پسر دایی	۱۲	۱۶
نامعلوم	۱	۱
جمع	۷۵	۱۰۰

آنچه که از جدول فوق بدست می آید وجود داشتن بیشترین فرزند عقب مانده در خانواده هایی است که نسبت خویشاوندی نزدیکتری با هم دارند. از مجموع ۷۵ خانواده که نسبت خویشاوندی داشته اند تعداد ۲۵ خانواده دارای نسبت خویشاوندی دختر خاله، پسر خاله می باشند که بیشترین فراوانی را تشکیل می دهد. خانواده هایی که دارای نسبت خویشاوندی دختر دایی، پسر عمه بوده اند با تعداد فراوانی ۲۰ خانواده در رده بعدی قرار دارند. به دنبال آنها خانواده هایی که دارای نسبت خویشاوندی دختر عمو، پسر عمو هستند ۱۷ فراوانی را تشکیل می دهند. کمترین تعداد فراوانی مربوط به نسبت خویشاوندی دختر عمه، پسر دایی می باشد که ۱۲ فراوانی را تشکیل می دهد. نتیجتاً اینکه از مجموع ۱۰۰٪ فراوانی نسبت خویشاوندی هستند بالاترین درصد به میزان ۳۳٪ مربوط به خانواده هایی است که نسبت خویشاوندی دختر خاله، پسر خاله دارند و کمترین درصد به میزان ۱٪ مربوط به خانواده هایی با نسبت خویشاوندی دختر عمه، پسر دایی می باشد.

جدول شماره ۳- توزیع فراوانی بر حسب تحصیلات مادر کودک عقب مانده

تحصیلات مادر	فراوانی	درصد
بی سواد	۵۸	۵۳
پایان دوره ابتدایی	۲۹	۲۶
سیکل	۱۲	۱۱
دیپلم	۸	۷
فوق دیپلم	۱	۱
لیسانس	-	-
فوق لیسانس	-	-
نامعلوم	-	-
جمع	۱۱۰	۱۰۰٪

با توجه به جدول شماره ۳ از مجموع ۱۱۰ خانواده ای که مورد پرسش قرار گرفته اند بیشترین فراوانی به میزان ۵۸ خانواده مربوط به مادران بیسوادی است که دارای فرزند عقب مانده می باشند که ۵۳٪ از مجموع ۱۰۰٪ را تشکیل می دهند. کمترین تعداد کودکان عقب مانده در این جدول مربوط به مادران دارای تحصیلات فوق دیپلم می باشد که ۱ فراوانی را تشکیل می دهد. هر چه که سواد

مادر خانواده بیشتر باشد تعداد کودکان عقب مانده کمتر است. همچنین با توجه به جدول فوق مادرانی که دارای تحصیلات بالاتر از دیپلم باشد وجود ندارد، نتیجتاً اینکه بین تحصیلات والدین و عقب ماندگی ذهنی کودکان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۴- توزیع فراوانی بر حسب تحصیلات پدر کودک عقب مانده

تحصیلات پدر	فراوانی	درصد
بیسواد	۴۰	۳۶
پایان دوره ابتدایی	۴۸	۴۴
سیکل	۱۲	۱۱
دیپلم	۶	۵
فوق دیپلم	۴	۴
لیسانس	-	-
فوق لیسانس	-	-
نامعلوم	-	-
جمع	۱۱۰	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۴ از مجموع ۱۱۰ خانواده که مورد پرسشنامه قرار گرفته اند ۴۰ خانواده که دارای فرزند عقب مانده می باشند پدر خانواده در آنها بی سواد است و از مجموع کل فراوان ها ۴۸ فراوانی مربوط به پدران دارای تحصیلات پایان دوره ابتدایی و ۱۲ فراوانی مربوط به سواد سیکل و ۶ فراوانی مربوط به پدران دارای تحصیلات دیپلم می باشد و کمترین فراوانی به میزان ۵ مورد مربوط به پدران دارای تحصیلات فوق دیپلم است از مجموع ۱۰۰٪ خانواده های فرزندان عقب مانده بالاترین درصد به میزان ۴۴٪ مربوط به پدران دارای تحصیلات پایان دوره ابتدایی می باشد که نشانگر رابطه بین تحصیلات والدین و عقب ماندگی ذهنی کودکان است.

جدول شماره ۵- توزیع فراوانی بر حسب وجود افراد عقب مانده دیگر در خانواده

وجود افراد عقب مانده دیگر در خانواده	فراوانی	درصد
وجود دارد	۱۵	۱۴
وجود ندارد	۹۵	۸۶
جمع	۱۱۰	۱۰۰

جدول شماره ۵ بیانگر این مطلب است که از مجموع ۱۱۰ فراوانی تعداد خانواده هایی که در آنها افراد عقب مانده وجود داشته اند ۱۵ فراوانی می باشد و تعداد خانواده هایی که در آنها وجود افراد عقب مانده ، سابقه نداشته است ۹۵ فراوانی است که از مجموع ۱۰۰٪ خانواده های دارای نتیجه اینکه وجود فرزند عقب مانده رابطه ای با سابقه قبلی ندارد.

جدول شماره ۶- توزیع فراوانی بر حسب تعداد افراد عقب مانده دیگر در خانواده

تعداد افراد عقب مانده دیگر در خانواده	فراوانی	درصد
یک نفر	۹	۶۰
دو نفر	۳	۲۰
سه نفر	۲	۱۳
چهار نفر	۱	۷
جمع	۱۵	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۶ از مجموع خانواده ای که سابقه عقب ماندگی در خانواده داشته اند، آنچه که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود ، این است که از مجموع ۱۵ فراوانی در ۹ خانواده تنها ۱ فرزند عقب مانده می باشد و در ۳ خانواده ۲ فرزند عقب مانده

وجود دارد و از مجموع ۱۰۰ فراوانی، بالاترین درصد به میزان ۶۰٪ مربوط به خانواده هایی است که در آنها یک فرزند عقب مانده می باشد. نتیجه اینکه از مجموع ۱۵ خانواده ای که دارای بیشتر از یک فرزند عقب مانده می باشند سه خانواده دارای ۲ فرزند عقب مانده و ۱ خانواده دارای ۴ فرزند عقب مانده دیگر می باشد.

جدول شماره ۷- توزیع فراوانی برحسب وجود افراد عقب مانده دیگر در فامیل

تعداد عقب مانده در فامیل	فراوانی	درصد
وجود دارد	۳۱	۲۸
وجود ندارد	۷۸	۷۱
نامعلوم	۱	۱
جمع	۱۱۰	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۷، از مجموع ۱۱۰ خانواده که بررسی شده اند ۳۱ خانواده گفته اند که علاوه بر داخل خانواده خودشان، در فامیل نیز کودک عقب مانده دارند که از مجموع ۱۰۰٪ خانواده ها ۲۸٪ خانواده ها را تشکیل می دهند. ۷۸٪ خانواده گفته اند که به غیر از کودک عقب مانده خودشان در فامیل سابقه عقب ماندگی ندارند که ۷۱٪ را تشکیل می دهند و ۱٪ پاسخ نامعلومی به پرسش داده اند.

جدول شماره ۸- توزیع فراوانی برحسب افراد عقب مانده که در فامیل وجود دارد

افراد عقب مانده در فامیل	فراوانی	درصد
فامیل پدری	۱۴	۴۵
فامیل مادری	۹	۲۹
فامیل پدری-مادری	۵	۱۶
نامعلوم	۳	۱۰
جمع	۳۱	۱۰۰

با توجه به جدول شماره ۹ که مربوط به خانواده هایی است که افراد عقب مانده در فامیل دارند، بیشترین فراوانی در فامیل های پدری وجود دارد که از مجموع ۳۱ مورد وجود کودکان عقب مانده در فامیل ۱۴ مورد وجود کودک عقب مانده در فامیل های پدری بوده است که ۴۵٪ از کل فراوانی را به خود اختصاص می دهد و ۹ مورد وجود کودک عقب مانده در فامیل های مادری می باشد که ۲۹٪ از کل فراوانی است. از این مجموع ۵ مورد وجود کودک عقب مانده هم در فامیل پدری و هم در فامیل مادری هر دو بوده است و ۳ مورد از کل مجموع عنوان کرده اند که در فامیل کودک عقب مانده هست ولی مشخص نکرده اند که در فامیل پدری است یا در فامیل مادری.

جدول شماره ۹- توزیع فراوانی برحسب فاصله سنی کودکان عقب مانده با کودکان قبل از خود

فاصله سنی کودک عقب مانده با کودک قبل از خود	فراوانی	درصد
کمتر از یکسال	۳۳	۳۰
یکسال	۲۲	۲۰
دو سال	۱۷	۱۵
بالاتر از دو سال	۲۷	۲۵
نامعلوم	۱۱	۱۰
جمع	۱۱۰	۱۰۰

آنچه که از مطالعه جدول فوق استنباط می شود این است که از مجموع ۱۱۰ خانواده ای که دارای کودک عقب مانده بوده اند بیشترین فراوانی ۳۲ می باشد که مربوط به خانواده هایی است که فاصله سنی کودک عقب مانده با کودک قبلی کمتر از یکسال بوده است که این تعداد ۳۰٪ کل فراوانی را تشکیل می دهد. کمترین فراوانی ۲۷ می باشد که مربوط به خانواده هایی است که فاصله سنی کودک عقب مانده با کودک قبلی بالاتر از دو سال می باشد که این تعداد ۲۵ درصد کل فراوانی را تشکیل می دهد. آنچه که از جدول شماره ۹ نتیجه گیری می شود این است که زایمانهای مکرر و پشت سرهم باعث می شود که امکان بوجود آمدن کودک عقب مانده بیشتر شود و هرچه فاصله زایمانها بیشتر باشد تعداد کودکان عقب مانده کمتر است.

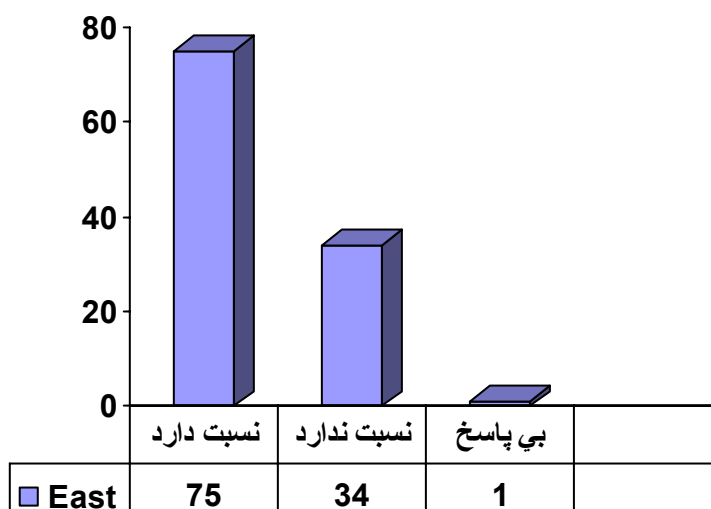
جدول شماره ۱۰ - توزیع فراوانی برحسب میانگین فاصله سنی کودکان

میانگین فاصله سنی کودکان	فراوانی	درصد
کمتر از یکسال	۳۶	۳۳
یکسال	۲۵	۲۳
دو سال	۱۸	۱۶
بالاتر از دو سال	۲۷	۲۴
نامعلوم	۴	۴
جمع	۱۱۰	٪۱۰۰

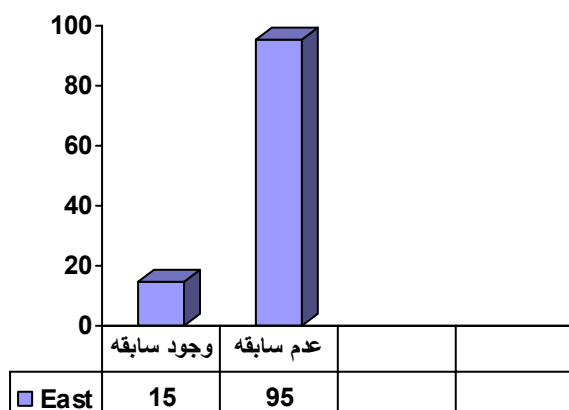
با توجه به جدول شماره ۱۰ که میانگین فاصله سنی کودکان را نشان می دهد از مجموع ۱۱۰ خانواده ای که مورد پرسش قرار گرفته اند ۳۶ خانواده فاصله سنی کودکانشان کمتر از یکسال می باشد که این تعداد ۳۳٪ کل فراوانی را تشکیل می دهد که بیشترین فراوانی جدول می باشد. کمترین فراوانی ۲۷ خانواده است که فاصله سنی بین کودکانشان بالاتر از دو سال است که ۲۴٪ کل فراوانی است. نتیجه ای که از این جدول می گیریم این است که هر چه فاصله سنی کودکان کمتر باشد امکان بوجود آمدن عقب مانده ذهنی بیشتر است و بیشتر کودکان عقب مانده ذهنی در خانواده هایی است که کودکانشان شیربه شیر می باشند.

طرح نمودارهای ستونی براساس ۶ فرضیه تحقیق :

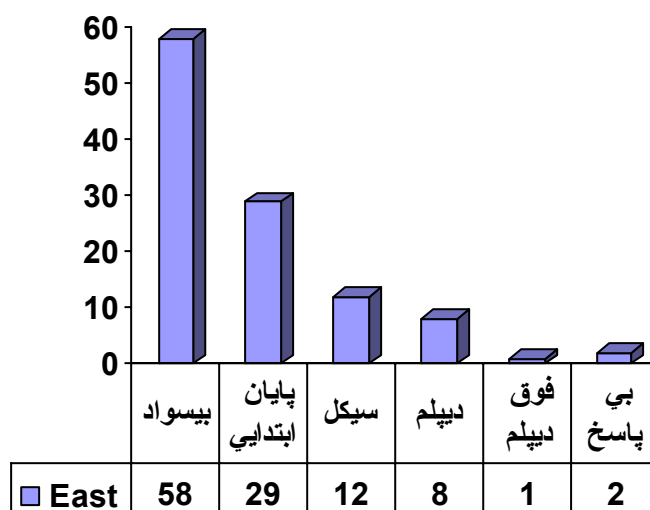
نمودار شماره (۱) - نمودار ستونی نسبت خویشاوندی



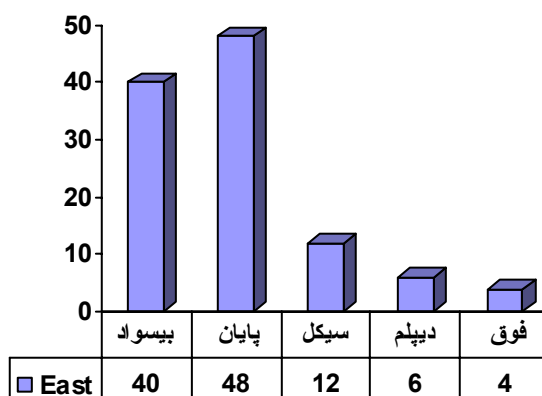
نمودار شماره (۲) - نمودار ستونی سابقه عقب ماندگی در خانواده



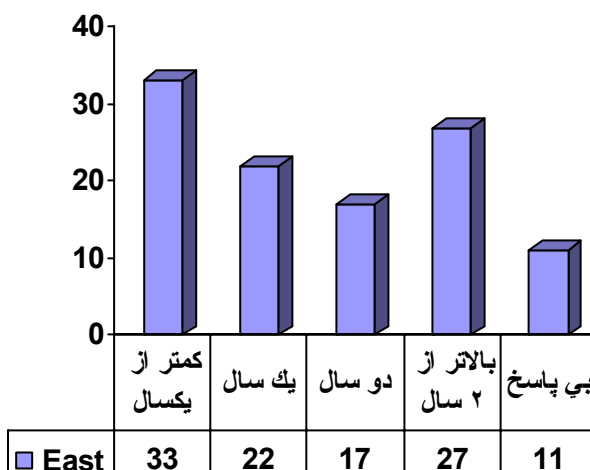
نمودار شماره (۳) - نمودار ستونی تحصیلات مادر کودک عقب مانده



نمودار شماره (۴) - نمودار ستونی تحصیلات پدر کودک عقب مانده



نمودار شماره (۹) - نمودار ستونی میانگین فاصله سنی کودکان



«پرسشنامه»

ولی محترم لطفاً با گذاشتن علامت × در محل‌های مربوطه پاسخ صحیح را بدهید. نوشتن نام و نام خانوادگی لازم نیست. این اطلاعات بطور محرمانه ضبط و ثبت خواهد شد.

- ۱- آیا شما با همسر تان نسبت خویشاوندی دارید؟
 بلی خیر در صورت بلی چه نسبتی؟
- ۲- میزان تحصیلات مادر کودک چقدر است؟
 بی سواد پایان ابتدایی سیکل دیپلم
 فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس دکتر
- ۳- میزان تحصیلات پدر کودک چقدر است؟
 بی سواد پایان ابتدایی سیکل دیپلم
 فوق دیپلم لیسانس فوق لیسانس دکتر
- ۴- وضعیت سنی مادر کودک در هنگام تولد کودک عقب مانده در کدام گروه سنی زیر است؟
 ۱۵ سال به پایین ۱۹-۱۵ سال ۲۰-۲۴ سال ۲۵-۲۹ سال
 ۳۰-۳۴ سال ۳۵-۳۹ سال ۴۰ سال به بالا
- ۵- درآمد ماهانه شما بین کدام یک از گروه زیر قرار دارد؟
 کمتر از ۱۰ هزار تومان ۱۱۰-۱۲۰ هزار تومان ۱۳۰-۱۲۰ هزار تومان
 ۱۴۰-۳۰ هزار تومان ۱۵۰-۱۴۰ هزار تومان ۱۵۰ هزار تومان به بالا
- ۶- آیا در خانواده شما به غیر از این فرزند، فرزند دیگری هم هست که در این مدرسه تحصیل کرده یا در حال تحصیل باشد؟
 بلی خیر اگر بلی چه تعداد
- ۷- آیا افراد عقب مانده دیگری هم در فامیل دارید؟
 بلی خیر اگر بلی، در فامیل پدری یا مادری؟
- ۸- فاصله سنی کودک عقب مانده شما با کودک قبل از او چقدر است؟
 کمتر از ۱ سال یکسال دو سال بالاتر از دو سال

- ۹- فاصله سنی کودکان شما چقدر است؟
کمتر از یکسال یک سال دو سال بالاتر از دو سال
- ۱۰- تعداد افراد خانواده شما چند نفر است؟
۳ نفر ۴ نفر ۵ نفر ۶ نفر بالاتر از ۶ نفر
- ۱۱- آیا مادر در هنگام بارداری کودک عقب مانده واکسنهای مربوطه را زده است؟
بلی خیر
- ۱۲- آیا مادر در هنگام بارداری کودک عقب مانده دارای استرس و فشارهای روحی و روانی بوده است؟
بلی خیر
- ۱۳- آیا مادر در هنگام بارداری بیماری خاصی داشته است؟
بلی خیر اگر بلی، چه نوع بیماری؟
- ۱۴- کودک فرزند چندم شماست؟
.....

منابع و مأخذ

۱. افروز غلامعلی، کودکان عقب مانده ذهنی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲
۲. کافمن، هالاهان، کودکان استثنائی، مترجم: مجتبی جوادیان، چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۲
۳. مجله رشد معلم، سال چهارم، شماره هفتم، ۱۳۶۴
۴. مجله رشد معلم، سال هشتم، شماره پنجم، فروردین ۱۳۶۸

گردآورنده: مهناز کاظمی جهرمی